

بررسی توثیق جمیع مشایخ نجاشی

رضا عندلیبی *

چکیده

در این مقاله ادله اثبات وثاقت جمیع مشایخ نجاشی بررسی شده است. به نظر می‌رسد هیچ یک از این ادله هفت گانه نمی‌تواند این مدعا را اثبات کند. مدلول ادله مذکور فقط این است که مرحوم نجاشی از وضاع حدیث، فاسدالمذهب، لا ابالی در مذهب و مضطربانی که مورد تضعیف اصحاب واقع شده بودند، روایت نمی‌کرده است و این بدین معنا نیست که تمام مشایخ او ثقه بوده‌اند، بلکه برخی از اساتید ایشان مجهول بوده‌اند و ضعف یا وثاقت آنها ثابت نشده است. بنابراین استاد مرحوم نجاشی بودن نمی‌تواند یکی از وجوه عامه وثاقت راوی باشد. در پایان نیز تعداد و اسامی مشایخ نجاشی ذکر شده است، تا اگر برای کسی از مجموع ادله مذکور اطمینان حاصل شد، راویان توثیق شده را بشناسد.

کلید واژه‌ها

مشایخ، نجاشی، وثاقت، مجهول، وضاع، تضعیف، ضعیف گریزی، ترخم.



امروزه ضرورت پرداختن به علم رجال و تأثیر این علم در استنباط احکام شرعی بر کسی پوشیده نیست؛ به گونه‌ای که تأثیر علم رجال بر حدیث‌شناسی از مهم‌ترین دلایل اختلاف فتاوا به‌شمار می‌رود.

در علم رجال نیز پس از توثیقات خاصه که قدما انجام داده‌اند، مهم‌ترین و اختلافی‌ترین مبحث، بحث توثیقات عامه است. یکی از این توثیقات عامه، وثاقت مشایخ نجاشی است که با اثبات آن، وثاقت حدود چهل راوی اثبات می‌شود. به همین جهت در این مختصر این وجه توثیق عام را بررسی و تعداد و اسامی مشایخ نجاشی را بیان می‌کنیم، تا اگر از ادله مطرح شده برای اثبات این وجه برای کسی اطمینان حاصل شد، بتواند راویان توثیق شده را بشناسد. اولین کسی که این بحث را پیش کشیده، علامه حلی در خلاصه الاقوال است^۱ و پس از ایشان علامه نظام الدین قرشی در نظام الاقوال و میرزا عبدالله افندی اصفهانی در ریاض العلماء به آن اشاره کرده‌اند^۲ ولی سید بحر العلوم در فوائد رجالیه اولین کسی است که این بحث را به طور مفصل مطرح و آن را اثبات کرده است.^۳

بعد از ایشان بسیاری از علما همچون محدث نوری، شیخ بهایی، مرحوم خویی، سید عباس مدرسی یزدی، میرزا جواد آقا تبریزی (رحمهم الله) و آیات عظام: سبحانی، اشتهااردی و بزرگان دیگر (حفظهم الله) به این بحث پرداخته و در اثبات آن قلم زده‌اند و تعدادی از ایشان نیز به جمع‌آوری اسامی مشایخ نجاشی پرداخته‌اند.^۴ البته تعداد دیگری از علما همچون حضرت امام (قدس سره)، سید کاظم حائری و محمد عاصف محسنی و بسیاری از قدما

۱. خلاصه الاقوال، ص ۷۱، رقم ۱۰۸

۲. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۳۵۱

۳. الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۹۳ - ۱۰۰

۴. خاتمة مستدرک، ج ۳، ص ۱۶۳-۱۵۸؛ مشرق الشمسین، ص ۸۳؛ معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۵۰ و ج ۲، ص ۱۶۷؛ نموذج فی الفقه الجعفری، ص ۴۹۳؛ اسس الحدود و التعزیرات، ص ۲۰۱؛ مدارک العروة، ج ۲، ص ۱۳۲؛ کلیات فی علم الرجال، ص

و معاصرین، این مبنا را قبول ندارند و ادله قائلین به وثاقت را رد می‌کنند.^۵ البته باید متذکر شوم اکثر اشکالاتی که در این مقاله بر ادله وثاقت وارد شده، به نقل از استاد بزرگوارمان حاج شیخ علی عندلیب (حفظه‌الله) است.

بخش اول: بررسی ادله وثاقت

در بحث وثاقت مشایخ نجاشی، لازم است قبل از هر چیز ابتدا ادله‌ای بر اثبات مدعا را به اختصار بیان و بررسی کنیم. با تفحص در کتب قائلین به این مبنا می‌توان تمامی دلایل آنها را در چند وجه زیر خلاصه کرد:

دلیل اول: ضعیف گریزی نجاشی

با تتبع اجمالی کتاب رجال نجاشی می‌توان به این نتیجه رسید که نجاشی از افراد ضعیف روایت نمی‌کرده است و تمامی استادان وی راویانی ثقه، قابل اعتماد و دارای مذهب حقه اثناعشریه بوده‌اند.

ما در اینجا نمونه‌هایی از ضعیف گریزی نجاشی را نقل می‌کنیم:

۱. در ترجمه جعفر بن محمد بن مالک می‌نویسد:

کوفی، أبوعبدالله، كان ضعيفاً في الحديث. قال أحمد بن حسين: كان يضع الحديث وضعاً و يروي عن المجاهيل، و سمعت من قال: كان أيضاً فاسد المذهب و الرواية و لا أدري كيف روى عنه شيخنا النبيل الثقة أبوعلی بن همام و شيخنا الجليل الثقة أبو غالب الزراري (رحمهما الله) و ليس هذه موضع ذكره.^۶

تقریب

تنها مشکل جعفر بن محمد ضعف در حدیث است، ولی مرحوم نجاشی از اینکه دو تن از بزرگان شیعه از جعفر روایت دارند، تعجب می‌کند. حال چگونه ممکن است خودش از استاد ضعیف روایت کند؟^۷

۵. کتاب الطهارة، ج ۳، ص ۲۴۹؛ القضاء فی الفقه الاسلامی، ص ۵۱؛ بحوث فی علم الرجال، ص ۶۰

۶. رجال نجاشی، ص ۱۲۲، رقم ۳۱۳

۷. خاتمه مستدرک، ج ۳، ص ۱۵۸؛ الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۹۳

اشکال اول

نهایت آنچه از این تقریب به دست می‌آید، این است که مرحوم نجاشی از ضعفای مشهور و وضّاعین حدیث و فاسد المذهب ها روایت نمی‌کرده است و به همین دلیل از نقل روایت دو محدّث بزرگوار از جعفر بن محمد شگفت زده شده است؛ چون در مورد جعفر بن محمد، فساد مذهب و روایت و وضع حدیث شایع بوده است، ولی معنای این سخن این نیست که نجاشی از کسانی که مشهور به ضعف یا وضع حدیث یا فساد مذهب نبوده‌اند، ولی توثیق نیز نداشته‌اند و شاید در واقع در نقل حدیث ضعیف هم باشند، روایت نکند.

اشکال دوم

چگونه ممکن است نجاشی استادان خود را شناسد که ثقه اند یا غیرثقه؛ یعنی بالأخره استادان نجاشی، یا ثقه بوده‌اند و یا غیرثقه و ضعیف، و فرض سومی ندارد. اگر ثابت شد نجاشی از ضعفا روایت نمی‌کرده، ثابت می‌شود تمام مشایخ او ثقه هستند.

جواب:

حرف شما در مورد کسانی که نجاشی مدتی طولانی را نزد آنان شاگردی کرده، صحیح است، ولی در مواردی که نجاشی چند روایت یا کتاب را از آنها اجازه گرفته، حرف شما صحیح نیست و چه بسا وثاقت یا ضعف شخص برای نجاشی مشخص نبوده است.^۸

۲. در ترجمه حسن بن احمد بن قاسم می‌نویسد:

سید فی هذه الطائفة ، غیر اُنّی رأیت بعض اصحابنا یغمز علیه فی بعض روایاته ... قرأت علیه فوائد کثیرة و قرئ علیه و أنا اسمع.^۹

۸. بحوث فی علم الرجال، ص ۶۰

۹. رجال نجاشی، ص ۶۵، رقم ۱۵۲

تقریب

با اینکه نجاشی روایات زیادی از وی شنیده است، ولی به دلیل تضعیف اصحاب، از وی روایتی نقل نکرده است.^{۱۰}

اشکال

عدم نقل نجاشی به دلیل تضعیف اصحاب است؛ یعنی برای اینکه در بین اصحاب متهّم به نقل از ضعیفا نشود، از او روایت نمی‌کند، نه اینکه وی را ضعیف بداند و به دلیل ضعف از او روایت نکند. پس دلالتی بر وثاقت جمیع مشایخ نمی‌کند.

۳. در ترجمه احمد بن محمد بن عبید الله می‌نویسد:

كان سمع الحديث وأكثر واضطرب في آخر عمره ... رأيت هذا الشيخ و كان صديقاً لي و لوالدي و سمعت منه شيئاً كثيراً و رأيت شيوخي يضعفونه فلم أرو عنه شيئاً و تجنبته ... رحمه الله.^{۱۱}

تقریب

با اینکه نجاشی از او روایات زیادی شنیده بود، ولی به دلیل تضعیف اصحاب، از او روایتی نقل نکرده است.^{۱۲}

اشکال

علاوه بر اشکال قبلی که عدم نقل نجاشی به دلیل تضعیف اصحاب است، نه ضعف راوی، اشکال دیگر این است که این راوی در اواخر عمرش اضطراب در مذهب پیدا کرده است و به دلیل فساد مذهب، نجاشی از او روایت نکرده است.

۴. در ترجمه اسحاق بن حسن می‌نویسد:

كثير السماع ، ضعيف في مذهبه ، رأيت بالكوفة و هو مجاور و كان يروى

۱۰. خاتمه مستدرک، ج ۳، ص ۱۵۸؛ الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۹۳

۱۱. رجال نجاشی، ص ۸۵، رقم ۲۰۷

۱۲. خاتمه مستدرک، ج ۳، ص ۱۵۸؛ الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۹۳؛ معجم رجال الحديث،

کتاب الکلینی عنه و کان فی هذا الوقت علواً فلم أسمع منه شیئاً.^{۱۳}

تقریب

با اینکه نجاشی او را دیده که کتاب کلینی را روایت می کند، ولی به دلیل ضعفش از او روایت نشنیده است.

اشکال

نجاشی به دلیل ضعف در مذهب، و نه ضعف در روایت، از او روایت نکرده است. علاوه بر این، در برخی از نسخه ها به جای علواً، غلواً (به معنای جوان) آمده است که معنای جمله این می شود: چگونه ممکن است کسی در زمان نجاشی در سنین جوانی باشد و بتواند بی واسطه کتاب کلینی را از خود او نقل کند؟ چرا که فاصله نجاشی و کلینی زیاد است؛ بنابراین عدم نقل نجاشی از او، یا به جهت فساد مذهب و یا به جهت این اتهام است.^{۱۴}

۵. در ترجمه علی بن عبدالله بن عمران می نویسد: «کان فاسد المذهب و الروایة و کان عارفاً بالفقه».^{۱۵}

تقریب

نجاشی با اینکه علی بن عبدالله را دیده، ولی به دلیل ضعف، هیچ روایتی از او در کتاب خود نیاورده است.^{۱۶}

اشکال

عدم نقل روایت به جهت فساد مذهب است، نه ضعف راوی در نقل روایت و عدم وثاقت.

۶. در ترجمه محمد بن عبیدالله بن محمد معروف به أبی المفضل

۱۳. رجال نجاشی، ص ۴۷، رقم ۱۷۸

۱۴. اصول علم الرجال، ص ۴۵۳

۱۵. رجال نجاشی، ص ۲۶۸، رقم ۶۹۸

۱۶. خاتمه مستدرک، ج ۳، ص ۱۵۸؛ الفوائد الرجالیة، ج ۲، ص ۹۳

می نویسد:

كان سافر في طلب الحديث عمره ... كان في أول عمره ثبناً ثم خلط و رأيت
جلّ أصحابنا يغمزونه و يضعفونه و له كتب كثيرة ... و رأيت هذا الشيخ و سمعت
منه كثيراً ثم توقفت عن الرواية عنه إلا بواسطة بيني و بينه.^{۱۷}

تقریب

نجاشی به دلیل تضعیف اصحاب، وی را جزء اساتید خود قرار نداده است
و با واسطه از او روایت کرده تا قاعده کلی وثاقت مشایخش پابرجا باشد.^{۱۸}

اشکال اول

نجاشی برای فرار از تهمت و بازخواست اصحاب که چرا از ضعیف
روایت می کند و همچنین به دلیل فساد مذهب ابوالفضل، از او به طور
مستقیم روایت نکرده است، وگرنه اگر مبنایش عدم نقل از ضعیف بود، معنا
نداشت که با واسطه از او روایت کند.

اشکال دوم

روایت هایی که با واسطه از او نقل کرده، در زمان صحّت مذهب او بوده
و یا این روایات را از کتب او نقل کرده است.^{۱۹}

جواب

این احتمال بسیار بعید است و با ظاهر عبارت «توقفت عن الرواية عنه إلا
بواسطة بيني و بينه» سازگار نیست، بلکه ظاهر عبارت این است که نجاشی
تنها برای فرار از بازخواست و طرد اصحاب، با واسطه از راوی مشهور به
ضعف روایت کرده است. نقل از کتاب نیز مشکلی را حل نمی کند.

۷. در ترجمه هبة الله بن احمد می نویسد:

۱۷. رجال نجاشی، ۳۹۶، رقم ۱۰۵۹

۱۸. خاتمه مستدرک، ج ۳، ص ۱۵۸؛ الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۹۳؛ معجم رجال الحديث،

ج ۱، ص ۵۰

۱۹. مشیخة النجاشی، ص ۹۴

سمع حديثاً كثيراً و كان يتعاطى الكلام و كان يحضر مجلس أبي الحسين بن شيبه العلوي الزيدي المذهب، فعمل له كتاباً و ذكر أنَّ الأئمة ثلاثة عشر مع زيد بن علي بن الحسين ... رأيت أبا العباس بن نوح قد عول عليه في الحكاية في كتابه.^{۲۰}

تقریب

نجاشی به دلیل تألیف کتاب مذکور که مؤید مذهب زیدیه بوده، هبة الله را ضعیف دانسته و در طرق خود به اصول و کتب نامی از وی نبرده است. بنابراین مشخص می شود تمام مشایخ نجاشی ثقه هستند.^{۲۱}

اشکال

عدم نقل روایت نجاشی از این راوی نیز به جهت ضعف در مذهب و تمایلات زیدی مذهبی اوست، نه به دلیل ضعف رجالی و عدم وثاقت راوی. ۸. نجاشی در مورد برخی از طرق تعبیراتی می آورد و آنها را مضطرب، غریب، مظلم و... می داند.^{۲۲} بنابراین مشخص می شود باقی طرق موجود در کتاب وی صحیح است؛ وگرنه می بایست اشاره می کرد. پس مشایخ وی که در طرق واقع شده اند همه ثقه هستند.^{۲۳}

اشکال

اولاً، اثبات شیء نفی ما عدا نمی کند و ثانیاً، نجاشی خود را ملتزم ندانسته که تمام طرق به کتابها را بررسی کند و نوع آنها را مشخص کند. بلکه از میان طرق متعددی که داشته و برایش اطمینان حاصل می شده، برخی را در کتاب خود ذکر کرده است؛ همان طور که خود در مقدمه کتابش اشاره می کند^{۲۴} و شاید علت عدم بیان صحت یا عدم صحت اکثر طرق، به سبب

۲۰. رجال نجاشی، ص ۴۴۰، رقم ۱۱۸۵

۲۱. خاتمه مستدرک، ج ۳، ص ۱۵۸؛ الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۹۳

۲۲. رجال نجاشی، رقم ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۰۹ و ۸۹۹

۲۳. مشیخة النجاشی، ص ۹۵

۲۴. رجال نجاشی، ص ۳

اعتماد بر طرق صحیح دیگر باشد. پس این وجه نیز دلالتی بر وثاقت جمیع مشایخ نجاشی نمی‌کند.

۹. در ترجمه عبیدالله بن ابی زید می‌نویسد:

يكنى أبطالب، ثقة في الحديث، عالم به، كان قديماً في الواقعة... وكان أصحابنا البغداديون يرمونه بالارتفاع... قال الحسين بن عبيدالله: قدم أوطالب بغداد و اجتهدت أن يمكنني أصحابنا من لقائه فاسمع منه فلم يفعلوا ذلك.^{۲۵}

تقریب

با توجه به سیره متداول اصحاب در زمان نجاشی که اجازه ملاقات با راویان ضعیف را به کسی نمی‌دادند، چگونه ممکن است نجاشی استاد ضعیف داشته باشد؟ پس تمام مشایخ او ثقة هستند.^{۲۶}

اشکال

همان طور که بارها اشاره شد، نجاشی به دلیل فضای حاکم، از راویان مشهور به ضعف و کذب روایت نمی‌کرده است و بنا به تصریح خودش وثاقت عبیدالله بن ابی زید مسلم است، ولی به سبب اتهام غلو، اصحاب به حسین بن عبیدالله اجازه ملاقات با او را نداده‌اند. پس دلیلی بر عدم روایت نجاشی از مجهولین یا کسانی که وثاقتشان ثابت نشده، وجود ندارد.^{۲۷}

دلیل دوم: تصریح نجاشی

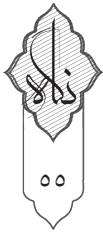
نجاشی در ترجمه محمد بن احمد بن جنید می‌نویسد: «و سمعت شيوخنا الثقات يقولون عنه: أنه كان يقول بالقياس».^{۲۸}

۲۵. همان، ص ۲۳۲، رقم ۶۱۷

۲۶. اصول علم الرجال، ص ۴۵۵

۲۷. همان.

۲۸. رجال نجاشی، ۳۸۵، رقم ۱۰۴۷



دلیل چهارم: مبنای میرداماد در الرواشح السماویة

مرحوم نجاشی ملتزم شده هر کسی که در او طعن و اشکالی وجود داشته باشد، در شرح حال خود شخص یا شخص دیگری ذکر کند. بنابراین هرگاه نجاشی ضعف راوی را بیان نکند و تنها نام وی را بدون مدح یا ذمی نقل کند و در مورد وثاقت راوی سکوت کند، نشانه این است که آن راوی در دیدگاه نجاشی از هر طعن و اشکالی مبرا است و حتی از حیث مذهب نیز مشکلی ندارد. بر این اساس تمام مشایخ نجاشی و تمام کسانی که اسامی آنها در کتاب رجال نجاشی آمده و نجاشی در مورد وثاقت و مذهب آنها سکوت کرده، امامی ثقه هستند.^{۳۱}

اشکال

کتاب نجاشی کتاب بررسی رجالی و توثیق و تضعیف روات نیست، بلکه کتاب فهرست نام مصنفانی است که مذهب آنها شیعه است، چه شیعه دوازده امامی و چه غیر آن. به همین جهت در بسیاری از موارد، اسامی راویان شیعه‌ای را که مذاهب غیر امامیه دارند نیز آورده است.^{۳۲} بله، نجاشی در مورد بسیاری از این افراد اظهار نظر رجالی نیز کرده است، ولی اصل کتاب شامل ۹۶۲۱ عنوان است که همگی صاحب کتاب، اصل، نوادر یا نسخه‌ای هستند و مبنا صاحب کتاب بودن است، نه امامی ثقه بودن. به همین جهت در بسیاری از موارد نام مصنفان غیر امامی از دیگر فرق شیعه، بدون بیان مذهب آمده است.

بنابراین سکوت نجاشی اعم از وثاقت یا عدم وثاقت راوی است. شاهد این مدعا این است که در بسیاری از موارد، نجاشی در مورد شخصی سکوت کرده، ولی شیخ او را تضعیف کرده است. بله، می‌توان در مورد مشایخ بی‌واسطه نجاشی ادعا کرد که همه آنها امامی هستند؛ چرا که ثابت شد نجاشی از بسیاری از مشایخ خود به جهت ضعف مذهب روایت نکرده است، ولی دلیلی بر وثاقت همه آنها نداریم.

۳۱. الرواشح السماویة، ۶۷

۳۲. رجال نجاشی، رقم ۲۳۲، ۴۵۳، ۴۵۶، ۶۶۳، ۶۷۰، ۸۱۷ و ...

دلیل پنجم: مبنای آیت الله وحید خراسانی (حفظه الله) نجاشی در مقدمه کتاب خود می نویسد:
فإني وقفت على ما ذكره السيد الشريف (أطال الله بقاءه و أدام توفيقه) من تعبير قوم من مخالفينا انه لا سلف لكم ولا مصنف.^{۳۳}

با توجه به این مقدمه، مرحوم نجاشی باید کتابی بنویسد که در جواب اهل سنت باشد و سلف و مصنف را برای شیعه اثبات کند. بنابراین می بایست تمام واسطه ها بین نجاشی و صاحبان کتب، از جمله مشایخ بلا واسطه نجاشی، همه ثقه باشند؛ زیرا اگر طرق معتبر نباشد، نسبت کتب به افراد ثابت نمی شود.^{۳۴}

اشکال

اولاً، خود نجاشی تعدادی از افرادی را که در طریق به کتب واقع شده اند، تضعیف کرده است. برای مثال سلمة بن خطاب که در طریق اسماعیل بن مهران واقع شده یا علی بن محمد بن جعفر که در طریق محمد بن جعفر بن عنبسة است و یا سهل بن زیاد و محمد بن سنان که در طریق محمد بن حسن شمون واقع شده اند، همگی مورد تضعیف نجاشی واقع شده اند.^{۳۵} ثانیاً، در بسیاری از موارد نجاشی هیچ طریقی را برای کتاب یا شخص نقل نمی کند، مثلاً در ترجمه غالب بن عثمان، عبدالله بن هارون، عبدالله بن عبدالرحمن زبیری، عبدالله بن بسطام، علی بن محمد بن عبدالله و... هیچ طریقی را برای کتب آنها نقل نمی کند.^{۳۶}

ثالثاً، اگر تمام روات، هم ثقه و همه طرق نیز از اجلا باشند، باز ذره ای برای اهل سنت ارزش ندارد؛ چون اهل سنت شیعیان را ثقه نمی دانند و در کذاب بودن راوی، صرف شیعه بودن را کافی می دانند. پس باز نجاشی به هدف خود نمی رسد. از اینجا مشخص می شود نجاشی این کتاب را برای محققان منصف سنی مذهب نگاشته که در مجموع، از مجموع این کتب و

۳۳. رجال نجاشی، ص ۳

۳۴. این مبنا در درس خارج ایشان مطرح شده است.

۳۵. رجال نجاشی، ص ۲۷، ۱۷۸ و ۳۳۳، رقم ۴۹، ۴۹۸ و ۸۹۹

۳۶. همان، رقم ۸۳۶، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۶۷ و ۷۰۳

روایت به دروغ گو نبودن این تعداد راوی یقین پیدا کنند؛ یعنی احتمال دهند مقدار معتنا به از این راویان ثقه‌اند و کذب ادعای دیگران برایشان روشن شود. رابعاً، خود نجاشی در مقدمه کتاب می‌نویسد: «و ذکر ت لرجل طریقاً واحداً حتی لا یكثر الطرق فیخرج عن الغرض»^{۳۷} یعنی من به این کتب، طرق متعددی دارم و تنها یک طریق را برای حفظ اختصار ذکر می‌کنم. بنابراین شاید طرق دیگری نیز به آن افراد داشته، ولی تنها یک طریق را در کتاب خود آورده است.^{۳۸} پس با این وجه نیز نمی‌توان وثاقت مشایخ نجاشی را اثبات کرد.

دلیل ششم: مبنای مرحوم قهپایی در معجم الرجال اگر یکی از قدما همچون شیخ صدوق، شیخ طوسی، نجاشی و... در کتاب‌های خود پس از ذکر نام شخص عبارت «رحمه الله» یا «رضی الله عنه» بیاورند، یعنی برای آن راوی ترحم یا رضی کنند، دلالت بر وثاقت آن راوی می‌کند. مرحوم نجاشی نیز در موارد بسیاری^{۳۹} برای تمام استادانش ترحم کرده است، بنابراین تمام مشایخ نجاشی ثقه هستند.^{۴۰}

اشکال

اولاً، ترحم یا رضی قدما بر یک راوی در یک یا دو مورد دلالت بر وثاقت راوی نمی‌کند. بله، اگر امثال شیخ صدوق یا شیخ طوسی - که دأیشان ترحم بر تمام روایت نیست - مقید باشند که هر جا نام شخص آمد، ترحم یا رضی کنند، می‌توان اطمینان به وثاقت آن راوی پیدا کرد.

ثانیاً، نجاشی به دلیل حقی که استادان و مشایخ بر گردن او دارند، در دو جا به طور عام برای همه مشایخ خود ترحم کرده است و تنها در مورد چهارده نفر از مشایخش ترحم خاص و جداگانه دارد که آن هم در مورد چند نفر از آنها مقید به این است که هر جا نامشان بیاید، ترحم کند، نه اینکه

۳۷. همان، ص ۳

۳۸. برگرفته از درس خارج فقه استاد عندلیب در مدرسه شهیدین.

۳۹. رجال نجاشی، رقم ۷۳ و ۱۵۰

۴۰. مجمع الرجال، ج ۷، ص ۲۱۹

هر جا نام هر یک از مشایخ بیاید، ترحم کند.
ثالثاً، نجاشی در مورد برخی مثل احمد بن محمد بن عبیدالله گفته است:
«رایت شیوخنا یضعفونه ... رحمه الله و سامحه».

بنابراین ترحم عام مرحوم نجاشی بر مشایخ خود دلالتی بر وثاقت جمیع
مشایخ نجاشی نمی‌کند.^{۴۱}
دلیل هفتم: مجموعه ادله

برخی معتقدند درست است که هیچ یک از وجوه اقامه شده برای اثبات
وثاقت مشایخ نجاشی، خالی از اشکال نیست، ولی از کنار هم قرار گرفتن
مجموع این ادله می‌توانیم به وثاقت مشایخ نجاشی اطمینان پیدا کنیم.

اشکال

از کنار هم قرار گرفتن چند «لاحجّت» حجّت به وجود نمی‌آید. اگر ما در
تمام وجوه گذشته خدشه کردیم، دیگر چگونه می‌خواهید اطمینان به وثاقت
حاصل کنید؟

بخش دوم: تعداد مشایخ نجاشی

تا اینجای بحث ثابت شد که با هیچ یک از ادله ذکر شده نمی‌توان به
وثاقت مشایخ نجاشی حکم کرد، ولی از آنجا که شاید از برخی از ادله مذکور
برای عده ای اطمینان حاصل شود، لازم است تعداد دقیق استادان نجاشی
ذکر گردد.

به نظر می‌رسد اولین کسی که به جمع‌آوری اسامی مشایخ نجاشی اقدام
کرد، سید بحر العلوم در الفوائد الرجالية است که تعداد سی نفر را از مشایخ
نجاشی شمرده است.^{۴۲} پس از ایشان نیز محدث نوری در خاتمه مستدرک
تعداد ۳۱ نفر را جزء مشایخ نجاشی دانسته^{۴۳} و مرحوم خویی نیز در معجم
رجال الحديث تعداد مشایخ نجاشی را در ضمن ۶۴ عنوان که شامل ۳۷

۴۱. برگرفته از درس خارج فقه استاد عندلیب در مدرسه شهیدین.

۴۲. الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۹۷

۴۳. خاتمه مستدرک، ج ۳، ص ۱۶۱

عنوان متحد و ۲۷ عنوان غیر تکراری است و نام ۴۱ راوی را در بردارد، بر
شمرده است.^{۴۴}

برخی نیز همچون محققان گران قدر آقایان محمود دریاب نجفی و محمد
کاظم رحمان ستایش تعداد مشایخ نجاشی را ۲۸ نفر می‌دانند. علت کم
شدن تعداد اشخاص در فهرست این دو، این است که اینان بین مشایخی که
نجاشی با لفظ «أخبرنا» یا «حدّثنا» از آنها تعبیر کرده و بین مشایخی که با لفظ
«قال» از آنها تعبیر شده، فرق گذاشته و تنها مشایخ دسته اول را مشایخ توثیق
شده نجاشی دانسته‌اند.^{۴۵}

ولی از آنجا که با مراجعه به کتب فقهی می‌توان نتیجه گرفت که بین
این دو دسته فرقی نیست و در روایات، بسیاری از نقل‌ها با تعبیر «قال»
است، بلکه خود نجاشی در مورد برخی از استادانش در بعضی از موارد با
«قال» و در جای دیگری از کتاب با «أخبرنا» تعبیر کرده است، پس تعداد
مشایخ نجاشی به ۳۸ نفر می‌رسد. البته گفتنی است که از این تعداد خود
نجاشی ترجمه هشت نفر را آورده است و پنج نفر از آنها توثیق خاص
دارند و چهارده راوی از این ۳۸ نفر مورد ترحم خاص مرحوم نجاشی قرار
گرفته‌اند.

بخش سوم: اسامی مشایخ نجاشی

با توجه به مطالب گذشته، اسامی مشایخ نجاشی به شرح زیر است:

۱. ابواسحاق طبری؛^{۴۶}
۲. ابوالحسن بغدادی سורائی بزاز البلوی؛^{۴۷}
۳. ابراهیم بن مخلد باقرحی؛^{۴۸}
۴. احمد بن حسین بن عبیدالله (رحمه الله)؛^{۴۹}

۴۴. معجم رجال الحديث، ج ۲، ص ۱۶۷

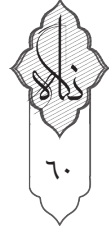
۴۵. مشیخة النجاشی، آشنایی با کتب رجالی شیعه، ص ۱۴۴

۴۶. رجال نجاشی، ص ۳۲۴، رقم ۸۸۳

۴۷. همان، ص ۳۱۰، رقم ۸۵۰

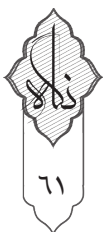
۴۸. همان، ص ۳۲۴ و ۱۶۲، رقم ۸۷۹ و ۴۲۸

۴۹. همان، ص ۸۳، ۳۵۵ و ۲۱۹، رقم ۲۰۰، ۹۴۹ و ۵۷۲



٥. احمد بن عبدالواحد (ابن حاشر): شيخنا المعروف بابن عبدون؛^{٥٠}
٦. احمد بن علي بن نوح (رحمه الله): كان ثقة في حديثه؛^{٥١}
٧. احمد بن كامل؛^{٥٢}
٨. احمد بن محمد بن جندی : أستاذنا (رحمه الله) الحقنا بالشيخ في زمانه؛^{٥٣}
٩. احمد بن محمد بن عبدالله جعفي؛^{٥٤}
١٠. احمد بن محمد بن صلت اهوازي؛^{٥٥}
١١. اسد بن ابراهيم سلمی حراني؛^{٥٦}
١٢. حسن بن احمد بن ابراهيم بن شاذان؛^{٥٧}
١٣. حسن بن احمد عجلي: ثقة من وجوه أصحابنا؛^{٥٨}
١٤. حسن بن محمد بن يحيى بن داود فحام؛^{٥٩}
١٥. حسين بن احمد بن هديء؛^{٦٠}
١٦. حسين بن جعفر بن خمري (رحمه الله)؛^{٦١}
١٧. حسين بن عبيدالله غضائري (رحمه الله)؛^{٦٢}
١٨. سلامة بن ذكاء (رحمه الله)؛^{٦٣}
١٩. عباس بن عمر بن عباس (ابن مروان كلوذاني) (رحمه الله)؛^{٦٤}

-
٥٠. همان، ص ١٧، رقم ٢١١
 ٥١. همان، ص ١٦ و ٦٠، رقم ٢٠٩ و ١٣٧
 ٥٢. همان، ص ٤٥٧، رقم ١٢٤٣
 ٥٣. همان، ص ١٥، رقم ٢٠٦
 ٥٤. همان، ص ٣٣٣، رقم ١٩٥
 ٥٥. همان، ص ٢٨، ٢٢ و ٣٦١، رقم ٥٤، ٣١ و ٩٦٨
 ٥٦. همان، ص ٥٦، رقم ١٥٤
 ٥٧. همان، ص ١٠٠ و ٣٦٥، رقم ٢٥٠ و ٩٨٨
 ٥٨. همان، ص ٦٥، رقم ١٥١
 ٥٩. همان، ص ٢٩٧، رقم ٨٠٦
 ٦٠. همان، ص ٢٥٣، ٣٢٩، ٣٦٣ و ٤٢٨، رقم ٦٤٤، ٨٩١، ٩٧٩ و ١١٤٩
 ٦١. همان، ص ٦٨، ٢٢٤ و ٣٣٦، رقم ١٦٥، ٥٨٧ و ٨٩٩
 ٦٢. همان، ص ٦٩، ٣١، ٦٨ و ٧٥، رقم ١٦٦، ٦٨، ١٦٢، ١٨٠ و ١٨١
 ٦٣. همان، ص ٢٦٣، رقم ٦٨٩
 ٦٤. همان، ص ٢٦١، رقم ٦٨٤



۲۰. عبدالسلام بن حسین ادیب (رحمہ اللہ)؛^{۶۵}
۲۱. عبداللہ بن محمد دعجلی (رحمہ اللہ)؛^{۶۶}
۲۲. عبدالواحد بن مہدی؛^{۶۷}
۲۳. عثمان بن احمد واسطی؛^{۶۸}
۲۴. علی بن احمد بن عباس نجاشی؛^{۶۹}
۲۵. علی بن احمد بن ابی جید؛^{۷۰}
۲۶. علی بن شبیل بن اسد (وکیل)؛^{۷۱}
۲۷. علی بن محمد بن یوسف قاضی؛^{۷۲}
۲۸. محمد بن احمد بن علی قمی (ابن شاذان فامی) (رحمہ اللہ)؛^{۷۳}
۲۹. محمد بن جعفر ادیب نحوی؛^{۷۴}
۳۰. محمد بن جعفر تمیمی نجار؛^{۷۵}
۳۱. محمد بن عبداللہ جعفری القاضی؛^{۷۶}
۳۲. ابوالحسین محمد بن عثمان نصیبی معدل؛^{۷۷}
۳۳. محمد بن علی خشیش؛^{۷۸}
۳۴. ابو عبداللہ محمد بن علی بن شاذان قزوینی؛^{۷۹}

۶۵. همان، ص ۸، ۱۵ و ۴۴۹، رقم ۵، ۲۰۵ و ۱۲۱۴
۶۶. همان، ص ۸۹ و ۲۷۶، رقم ۲۲۳ و ۷۲۷
۶۷. همان، ص ۴۵۱، رقم ۱۲۱۸
۶۸. همان، ص ۲۷۶، رقم ۷۲۷
۶۹. همان، ص ۲۵۶، ۳۰۰ و ۳۸۹، رقم ۶۷۱، ۸۱۷ و ۱۰۴۹
۷۰. همان، ص ۸، ۲۵، ۵۴، ۱۴۹ و ۱۹۷، رقم ۴، ۴۲، ۱۲۳، ۳۸۹، ۵۲۴ و ...
۷۱. همان، ص ۲۰۹ و ۲۱۸، رقم ۵۵۴ و ۵۶۸
۷۲. همان، ص ۳۵۵، رقم ۹۵۱
۷۳. همان، ص ۸۴، رقم ۲۰۴
۷۴. همان، ص ۴، ۵۳ و ۶۷، رقم ۱، ۱۱۷ و ۱۶۰
۷۵. همان، ص ۴۱ و ۹۱، رقم ۸۴ و ۲۲۷
۷۶. همان، ص ۱۴ و ۲۸۳، رقم ۱۱ و ۷۵۱
۷۷. همان، ص ۶۷، ۲۲۸، ۲۳۲ و ۳۱۰، رقم ۱۶۱، ۶۰۳، ۶۱۵ و ۸۴۹
۷۸. همان، ص ۱۰۸، رقم ۲۷۳
۷۹. همان، ص ۵۲، ۱۳۹، ۴۲۵ و ۴۴۶، رقم ۱۱۶، ۳۶۱، ۱۱۴۷ و ۱۲۰۸

۳۵. ابوالفرج محمد بن علی قنائی کاتب : کان ثقة و سمع کثیراً؛^{۸۰}
 ۳۶. محمد بن محمد النعمان (شیخ مفید) : شیخنا و أستاذنا (رضی الله عنه) فضله أشهر من أن یوصف فی الفقه و الکلام و الروایة و الثقة و العلم؛^{۸۱}
 ۳۷. ابوالحسین محمد بن هارون بن موسی التلعکبری؛ (رحمه الله)^{۸۲}
 ۳۸. ابومحمد هارون بن موسی تلعکبری (رحمه الله): ثقة.^{۸۳}

نتیجه

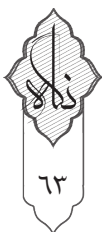
از مطالب گذشته، ثابت شد که هیچ یک از ادله‌ای که برای اثبات وثاقت مشایخ نجاشی اقامه شده، نمی‌تواند این مدعا را اثبات کند و تنها مدلول ادله مذکور این است که مرحوم نجاشی از وضاع حدیث، فاسد المذهب، لا ابالی در مذهب و مضطربینی که مورد تضعیف اصحاب واقع شده بودند، روایت نمی‌کرده است و این بدین معنا نیست که تمام مشایخ او ثقة بودند، بلکه برخی از استادانش مجهول بوده‌اند و ضعف یا وثاقت آنها ثابت نشده است. بنابراین استاد مرحوم نجاشی بودن نمی‌تواند یکی از وجوه عامه وثاقت راوی باشد.

۸۰. همان، ص ۳۹۸، ۲۹، ۲۳۲ و ۳۶۶، رقم ۱۰۶۶، ۶۰، ۶۱۶ و ۹۹۰

۸۱. همان، ۳۹۹، ۱۶ و...، رقم ۱۰۶۷، ۱۶ و...

۸۲. همان، ص ۷۹، رقم ۱۸۹

۸۳. همان، ص ۱۵۷، ۳۷۹ و ۴۳۹، رقم ۴۱۵، ۱۰۳۲ و ۱۱۸۴



۱. ابطحی، سید محمدعلی، تهذیب المقال.
۲. ابن قولویه، کامل الزیارات، تحقیق جواد قیومی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳. اشتهاودی، علی پناه، مدارک العروة، تهران، دار الأسوة للطباعة و النشر، ۱۴۱۷ق.
۴. افندی اصفهانی، میرزا عبدالله، ریاض العلماء، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۱ق.
۵. امام خمینی، کتاب الطهارة، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۲ق.
۶. بحر العلوم، سید محمد مهدی، الفوائد الرجالية، تهران، انتشارات مكتبة الصادق(ع)، ۱۳۶۳ش.
۷. تبریزی، میرزا جواد، اسس الحدود والتعزیرات، قم، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۱۵ق.
۸. حائری، ابوعلی(محمد بن اسماعیل)، منتهی المقال، قم، مؤسسه آل البيت(ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ق.
۹. حسینی حائری، سید کاظم، القضاء فی الفقه الاسلامی، قم، مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
۱۰. حسینی مرعشی(میرداماد)، میر محمدباقر، الرواشح السماویة فی شرح احادیث الامامیة، قم، انتشارات کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ق.
۱۱. خویی، سید ابوالقاسم، التنقیح، قم، انتشارات دارالعلم، ۱۴۱۴ق.
۱۲. خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، نجف اشرف، الآداب.
۱۳. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، قم، نشر مدينة العلم، ۱۴۰۹ق.
۱۴. دریاب نجفی، محمود، مشیخة النجاشی، قم، دارالکتاب، ۱۴۱۳ق.
۱۵. رحمان ستایش، محمد کاظم، آشنایی با کتب رجالی شیعه، تهران، انتشارات سمت و دانشگاه علوم حدیث.
۱۶. سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق.

۱۷. شیخ بھایی، مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین، قم، انتشارات بصیرتی.
۱۸. عرفانیان، غلامرضا، مشایخ الثقات، مؤسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۰ق.
۱۹. علامہ حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، خلاصۃ الاقوال، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۲۰. علی صالح المعلم، محمد علی، اصول علم الرجال بین النظریۃ و و التطبيق (تقریر بحث شیخ مسلم داوری)، ناشر: مؤلف، چاپ نمونہ، ۱۴۱۶ق.
۲۱. قہپایی، عنایت اللہ، مجمع الرجال، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۴ش.
۲۲. مازندرانی خواجوی، محمد اسماعیل، الفوائد الرجالیۃ، مشهد مقدس، انتشارات مجمع البحوث الاسلامیۃ، ۱۴۱۳ق.
۲۳. محسنی، محمد آصف، بحوث فی علم الرجال، نشر سید الشهداء (ع)، ۱۴۰۳ق.
۲۴. مدرسی یزدی، سید عباس، نموذج فی الفقہ الجعفری.
۲۵. نجاشی، احمد بن علی بن احمد بن عباس، رجال نجاشی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۷ق.
۲۶. نوری (محدث نوری)، میرزا حسین، خاتمة مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ق.